

معنای زندگی آنها شد، گذارند.

\*\*\*

سعید سلطانپور نیز یکی از روشنفکران سامانه پیرامونی بود. ایران که حال نیز در قرن ۲۱ با سانسور و اختناق روبرو است. دولت در جامعه مدنی دخالت دارد و خط مرزی بنام جدائی حوزه عمومی و خصوصی آن را از نهادهای جامعه مدنی و روابط آن جدا نمی‌سازد. در فقدان نهادهای رسمی سیاسی، بی‌شک ادبیات و هنر مسئولیت دوگانه به دوش می‌گیرند و روشنفکر چنین قضائی، با جان خود بازی میکند تا خلق اثر نماید. سعید ابداً نگاه دین خو و اندیشه مذهبی نسبت به موضوعات سیاسی نداشت. میدانست سوسیالیسم، تنها حذف مالکیت خصوصی نیست. سوسیالیسم تنها بعد اقتصادی ندارد که با زدن مالکیت خصوصی تاملین شود. سوسیالیسم محصول اندیشه و زندگی سوسیالیست‌ها است. جامعه سرمایه‌داری نمی‌تواند تنها در یک کشور به بن‌بست ساختاری برسد، چرا که گردش سرمایه بین المللی است و هرگونه تشنج و بد خلقی در انباشت سرمایه به نقاط دیگر جهان نیز سرایت می‌کند. از این منظر شکستن جامعه سرمایه‌داری نمی‌تواند از تک کشور باشد و بی‌تردید از آچمز شدن اقل‌ترین کشورهای پیشرفته آغاز خواهد شد. آنچه که در روسیه و چین عقب‌مانده و روستائی اتفاق افتاد را میتوان تنها مقدمه‌ای در شناخت اندیشه و ابزار صحیح سوسیالیسم دانست که اکیداً چنانچه اتفاق افتاد، بشریت چه کارهائی نباید انجام دهد. سوسیالیسمی که از بطن جامعه عقب مانده بیرون زند میشود، اجتماع سبب استالینی، شوخ طبعی برخی اکنون چنان شده که تمامی بار جنایات و کج روی‌های قرن بیستم در بلوک شرق به رهبری اتحاد شوروی را به گردن استالین می‌اندازد! حال آنکه آموزگار وی یعنی پلخانف، قبل از او و دهه‌ها پیش از شکل‌گیری بلشویک‌ها، ختم آزادی‌های مدنی را گرفته بود، بطوریکه انگلیس او را رهبر یک فرقه خواند!

\*\*\*

در نگاه جوامع عقب‌مانده به سوسیالیسم، همان همگون سازی بشریت با آن مترداف شد! نگاه مذهبی به میانی اندیشه مارکس بود که تولید استالین‌ها نمود. در نگاه ایدئولوژیک و مذهب گونه، تمامی حقیقت همان میشود که شما می‌پندارید. از طرفی سیستم بسته، بدون پرسش و بدون چرانی را جلوی شما می‌گذارد و همان می‌کنند که رهبر مذهبی انجام میدهد. شکاکین به این مواضع همان دشمنان خلق از طرف استالین‌ها و دشمنان خدا

بقیه در صفحه ۵۹

خود را در اجتماع از دست میدهد که موضوع نقد آن یعنی سرمایه وجود نداشته باشد. او معتقد بود که کشورهای پیرامونی چون ایران، حتی برای رسیدن به قوام سرمایه‌داری که شب عید سوسیالیسم خواهد بود، راه درازی در پیش دارند. از نزدیک شاهد تلاش وی برای فهم متودیک اندیشه سوسیالیستی در اقتصاد و اجتماع بودم. ناصرخان رحمانی نژاد از دوران زندان مشترک خود همراه سعید می‌گفت که هر دو پیش زنده یاد شکرالله پاک‌نژاد، یک دوره تاریخ فلسفه را گذرانده‌اند. سعید سلطانپور شاعر، نویسنده و کارگردان تئاتر، هنرش را برای زحمتکشان و از آنان تهیه دیده بود. سوسیالیسم، اندیشه وی در ابعاد فلسفی و اجتماعی سیاسی بود. میدانست که آثار انحراف از درک سوسیالیستی مارکس در روسیه از همان زمان پلخانف آغاز میشود و لنین که شاگرد وی بود، هرگز نتوانست به کج روی‌های وی فائق آید و به گونه‌ای آنرا ادامه داد. نقل از نماینده سوسیالیست‌های روسیه است (ودون) که نظرات پلخانف را برای فردریش انگلس میبرد. انگلس با آگاهی از درک رهبر روسی درباره آزادی‌های مدنی در پیروزی انقلاب که آن را هرگز برای غیرخودی‌ها در نظر نمی‌گیرد، برآشفته میشود. پلخانف معتقد بود که وقتی قدرت سیاسی را به چنگ بیاورند، هرگز آزادی و حقوق یکسان برای مخالفین و منتقدین خود قرار نمی‌دهد. انگلس، پلخانف و نظر او را فرقه‌ای خواند و گفت که این سوسیالیسم نخواهد بود، بلکه فقط یک فرقه است، درست همانطور هم شد.

\*\*\*

برای اینکه بدانیم سعید از کدام سوسیالیسم سخن می‌گفت، بهتر است که طی این مطلب به گوشه‌های از نگاه وی به مسئله افکنده تا تفاوت آن را با آنچه مارکسیسم روستائی روسی و چینی می‌نامند نشان دهیم. مارکس در انشاء خود و در هنگام اتمام دروس دبیرستانی در پاسخ به پرسش اینکه منظور زندگی انسان چی است، می‌نویسد که هدف زندگی ما باید خیر بشریت و شکوفائی اجتماع باشد. کارل مارکس مفهومی را در نوجوانی بیان می‌کند که سلطانپورها و خود مارکس زندگی خود را در آن راه فدا نمودند. همین سخن را از زبان نابغه بزرگ البرت انیشتین می‌شنوید که در مقاله موسوم به "چرا سوسیالیسم" می‌گوید که زندگی ما دو جنبه دارد. یک وجود فردی ماست که برای رفع نیازهای اولیه خود تلاش می‌کند. دیگر اینکه ما وجود اجتماعی هم داریم که محبت و تشویق مردم را به خود جلب می‌کند و خواهان سهمین شدن در زدودن غم مردم و برپائی امکانات بهتر زندگی برای عموم است. سعید سلطانپور ها جان بر سر این مفهوم که

تحلیل سیاسی  
مجید پهلوان

## سال گشت قتل نویسنده

کردن حوزه مسئولیت‌ها و دخالت در امور جامعه مدنی چیزی به عنوان حقوق فردی را به رسمیت نمی‌شناسند. انتخابات آزاد و مستقل وجود ندارد و چیزی به عنوان حق تشکل و سازماندهی سیاسی در اجتماع وجود خارجی ندارد. سعید در این اوضاع به سوی ادبیات رفت که در کشورهای عقب‌مانده، مسئولیت‌های فقدان حضور احزاب سیاسی را هم به دوش می‌گیرد. سعید شاعری توانا و از آن مهم‌تر، مبارزی کوشنده بود که هنر را از طاقچه میهمانی‌های آنچنانی به درون کوران روابط اجتماعی کشاند. پیرو مسئولیت‌های متداخل هنر و سیاست در فضای اختناق زده ایران، مسئولیت دو سوویه را تجربه کرد و به دلیل مخالفت با ریخت و پاشی که دولت (شاه) کودتا برای جشن هنر شیراز به دوش مردم گذارد به زندان رفت. "نوعی از هنر و نوعی از اندیشه" اگر چه شاعر ما را به شکنجه‌گاه فرستاد ولی او از مجموعه کشتارگاه را حاصل زمان سپری شده عمر خود در شکنجه‌گاه‌های آریامهری نمود. دستگیری وی به همراه یارانی چون ناصر رحمانی نژاد، قدم‌های ابتدائی او برای تماس با سوزهای اشعارش بود. اگر آریامهر و شکنجه‌گران وی از کشتن سعید تن زدند اما که جمهوری اسلامی که عدل علی را به مثابه الگوی رفتاری خود انتخاب نموده، براستی خون او را برای انتقام‌گیری از حقانیت اندیشه سعیدها، ریخت. سعید را تیرباران کردند تا، سوسیالیسم، آزادی و تعهد انسانی وی را ترور نمایند. هیهات که با کشتن شع، روشنائی نمی‌میرد.

\*\*\*

سعید می‌گفت که سوسیالیسم نقد رادیکال جامعه سرمایه‌داری است. این سوسیالیسم وقتی موضوعیت

به خاطر سعید سلطانپور، انسان، شاعر و هنرمندی که جان بر سریمان با زحمتکشان گذارد.

\*\*\*

از آنجائیکه هر مرگی را علتی است. و از آنجائیکه جان باختی از گونه‌ای که سعید گرفتار آن شد اندیشه‌ای به همراه دارد، لذا این مطلب را که به چگونگی نگاه و نظر سعیدها به انسان و اجتماع و در کل هستی است، حضورتان تقدیم می‌کنم. هم یادی از رفیق خود کرده باشم و هم یادآوری به حضور خاطره و کارهای او برای نسل نو ایرانی. مرگ سعید از گونه جان باختی بود که بواقع بخشی از زندگی او بود. سعید سلطانپور در مرگ خود و به هنگامی که مقابل جوخه آتش اسلام سیاسی قرار گرفت نیز زندگی دوباره یافت. او ثابت نمود که چون به وقت دفاع از آرمانهای رهائی نوع انسان برسد، بی‌تردید جان مادر کار و اندیشه مبارزاتی ما بقاء می‌یابد و مرگ تنها خط فاصلی میشود بین تولد و زندگی مجدد نویسنده در متن او، متنی که دهها سال پس از جان باختن مجدداً توسط جوانان ایران زمزمه میشود. برای تجدید خاطره با شاعر زحمتکشان، چه بهتر از آن به چرانی مرگ نویسنده و چگونگی زندگی و استمرار اندیشه‌اش بپردازیم.

\*\*\*

سعید سلطانپور هم در کشوری پیرامونی و فاقد جامعه مدنی پویا و بهره‌ور از حقوق فردی دنیا آمد و رشد نمود. جامعه‌ای سراسر اختناق زده که آزادی بیان، نشر و اجتماعات در آن جانی ندارد. ویژگی ایران چون هر کشور پیرامونی دیگر یکی بودن حیطه دولت به عنوان حوزه عمومی و جامعه مدنی است. دولت که بهتر است آنرا در مفهوم حکومت بکار ببریم در این جوامع با یکی

# ADL

## INTERNATIONAL IMMIGRATION SERVICES

با همکاری دکتر سیاوش طاهری  
و شهرزاد طاهری عضو سی‌سی‌آی‌سی (CSIC)

### Shahrzad Taheri CCIC

Member of the Canadian Society of Immigration Consultants (CSIC)

انجام امور حقوقی در ایران توسط وکلای پایه یک دادگستری

Email: info@adl-immigration.com

Toronto Office:  
2221 Yonge St., Suite 212  
Toronto, ON, M4S 2B4  
Tel: 416-483-9000  
Fax: 416-485-0145

آدرس ایران:  
تهران - خیابان کارگر شمالی، شماره ۵۷۳  
تلفن: ۸۸۶۳-۲۲۸۰، فاکس: ۸۸۶۳-۲۲۹۹

# سجاد نیم

پیشرو در فناوری حقوقی

Licensed Paralegal

## جرائم رانندگی

All Summary Convictions  
سرعت غیر مجاز  
Red light & Stop Sign  
عبور از چراغ قرمز و تابلو توقف

## دادگاه‌های حقوقی کوچک

### Small Claims Court Matters

در گونه قراردادهای شخصی یا تجاری، هرگونه مشاجرات شخصی یا کاری هرگونه خسارت شخصی یا تجاری، هرگونه دعوی کوچک قضائی ملتی

## حقوق مالک و مستاجر

### Landlord & Tenant Matters

ازیت و اجاره توسط مستاجر، افزایش غیر قانونی اجاره بها از سوی مالک، تسخیر قرارداد اجاره توسط مالک، ارسال حکم تخلیه از سوی مالک و سایر موضوعات قانونی مربوط به مالک و مستاجر

1130 Sheppard Ave. West, Unit 4, Toronto, Ontario, M3H 6C1  
Tel: 416-795-3425 Fax: 416-658-1400  
E-mail: Sanajem@gmail.com



عقب ماندگی باید که اقتصاد سوسیالیستی مبنی بر عمومی بودن وسائل تولید وجود آید. سعیدها در پیرو اندیشه مذکور میگویند که اقتصاد سوسیالیستی هم به تنهایی ابداً سوسیالیسم نیست. چگونه میتوان دولتی کردن اقتصاد با برنامه مرکزی را از گزند بوروکراتیک شدن و تولید "مزرعه حیواناتی" دیگر مصون داشت. چگونه میتوانیم با عمومی کردن وسائل تولید، مرکزی کردن اقتصاد با برنامه از تولید غول بوروکراتیک (آنچه که در روسیه رخ داد) جلوگیری نماییم. پنداری صدای سعیدها هنوز به گوش می خورد که سوسیالیسم ویژه ممالک پیشرفته و اجتماعی است که عقلانی شدن جامعه تنها به عقلانی شدن اقتصاد بسنده نکرده و شرط آزادی فرد هنوز دلیل آزادی جامعه است. سوسیالیسم محصول زندگی انسانهای آزاد و برخوردار از حقوق فردی است و ربطی بر سامانه های توتالیتر و نگاه مذہبی به امر هستی و اجتماع ندارد. اگر سعیدها هنوز در کنار ما بودند، با توجه به استعداد و شوری که به اصل آزادی کار داشتند بی شک سرودخوان آزادی بودند و نه لهله گر سرمایه و موسسات تابعه با رویان سبز!

«یاد سعیدها گرامی»

سرمایه مالی کنار گذاشته میشود و جهانی گردانی اقتصاد، فرهنگ و زندگی امریکائی جای خود را به هرج و مرجی میدهد که اتحادیه اروپا از آن بنام اوضاع بدون آینده یاد می کند.

\*\*\*

سعیدهای جوان، رهروان سوسیالیسم، میوه های اجتماع سانسور زده و پرخفقان بودند که اگر چه اختناق و دیکتاتوری فرصت زندگی آزاد و تولید آزادانه را از آنان دریغ داشته بود لیکن در راه افشای بسی آندگی و ضد انسانی بودن سلطه بهره کشی موفق بودند. همانطور که مارکس می گوید، عناصر انسانی و فرهنگی سوسیالیسم در ما و با مادر جامعه سرمایه داری زندگی می کنند و تنها قوام دستجمعی دنیای پیشرفته است که شرائط حضور و گل دادن آنان را فراهم می سازد. سعیدها اگر در معرض چگونگی توفیق سوسیالیسم اثری برجای نگذارند ولی در معرفی بی ثمر بودن نگاه مذہبی، ایدئولوژیک به هستی و از جمله انسان پیروز شدند. سعیدها همراه نوایی چون آلبرت انیشتین (در مقاله خود بنام چرا سوسیالیسم) میگویند که تصاحب ابزار تولید و ثروت ممالک در دستان معدودی از شهروندان تولید فقر و فتنه و شرائط مرگبار می کند. برای رهائی از این همه سراسیمگی،

روانی ناشی از هرج و مرج سامانه سرمایه داری افتاده است. این وضعیت نمی تواند پایان تاریخ جوامع باشد. در اجلاس ۲۰۰۰ میلادی در دهکده داووس سوئیس، رهبران فوروم اقتصادی مذکور، طرح نتولیرال و جهانی گردانی سرمایه را پایان کار قلمداد نمودند. امروزه اردوی اوپاما آمده و می گوید که تغییر باید صورت گیرد. اجلاس داووس می تواند برنامه ریز اقتصاد گلوبال باشد و بانک جهانی، مسولیت همگون سازی جوامع بین المللی را بر عهده ندارد! آنها که سرمایه داری را پایان تاریخ قطور اجتماعات جار زدند در پستوها قائم شده اند. رفقای بین المللی سعیدها به صحنه آمده اند و اگر چه مژده سقوط سرمایه داری را هنوز نیآورده اند آخرین خبر این است که سلطان پورها درست می گویند. سرمایه داری مبنی بر سوء استفاده از نیروی کار انسان از انسان است که همواره در انباشت سرمایه متجلی میشود. پروسه این انباشت بحران زا است. تولید بر مبنای نیاز انسان ها صورت نمی گیرد و سود تنها نیروی محرکه صاحبان وسائل تولید و انباشت کنندگان سرمایه است. در این معادله، بحران، همزاد این انباشت است و به گفته حتی نظریه پردازان سرمایه داری، نگاه نتولیرال که اندیشه راهزانه سرمایه مالی در به ورشکستگی کشاندن کشورهای روی زمین بود، زمین گیر شده است. اولویت

از سوی آیت الله نام می گیرند. شک در قاموس اندیشه بدون چرائی این قبیل نظریه پردازان همان کفرگویی نزد مذہبیون است. از این منظر بود که برای مثال تروتسکی هم قبل از قتل عام استالینی، تمامی منتقدین حزب بلشویک را دشمن و به طریقه ژدانفسکی، دیوانه خطاب می کرد! کسیکه با تیرامور استالین در مکزیک به قتل رسید، در زمان قدرت داری، خود یک استالین بی رحم بود! همگون سازی این حضرات دقیقاً سابقه مذہبی و برخاسته از اندیشه عقب مانده داشت. در این چهارچوب فکری، انتخابات جانی ندارد و تسلیم نشانه ایمان و آنهم علامت عضویت در گروه است. اگر چه محتوی ادعاهای یک سوسیالیست عقب مانده از حواریان مذہبی جداسازی ولی در شکل برخورد به مخالف یکسان عمل می نمایند. آنچه که دیکتاتوری پنهان امثال باکوئین ارائه شد، چیزی جز نشانه عقب ماندگی اجتماعی روسیه نداشت. در برخورد با باکوئین ها از طرفی و حفظ انقلاب اکثریت از سوی دیگر، هیچ کاری جز بستن درهای مملکت و در خود فرو رفتن نمی توان کرد، چرا که انقلاب سوسیالیستی باید در بیشترین ممالک پیشرفته حادث شود و گر نه تک کشور مدعی سوسیالیسم به زانو در می آید.

\*\*\*

جنبش برای سوسیالیسم در قرن گذشته موارد و مثال های فراوانی از جوامع عقب مانده چون روسیه و چین از خود بیرون داد. این مطلب به آلمان هم نگاهی دارد، آنجا که امثال لاسال ها که مدعی سوسیالیسم و رهبری جنبش بودند، فرش قرمز زیر پای امثال بیسمارک پهن کردند که بیا و بشو رهبر سوسیالیستی اروپا! آنچه که ما از سامانه سوسیالیسم میدانیم هیچ است، چرا که آن را شکل بندی به ما معرفی کردند که بعدها خواهد آمد، حال آنکه آموزه های مارکس چیز دیگری می گوید. مارکس خزعبلات امثال لاسال، ویلتینگ، باکوئین و... را به پوزخند گرفت و اعلام داشت که جامعه جایگزین سرمایه داری از فضا به زمین نمی آید و جوانه هایش در همین اوضاع شکل می گیرد و در بطن جامعه طبقاتی رشد می کند. رشد عناصر سوسیالیستی بی تردید احتیاج به بستری پیشرفته و مبنی بر تکوین پروسه انباشت سرمایه و رشد دو سویه نیروی تولید و شیوه تولید دارد. او عقیده مند بود که سوسیالیسم نمی آید، بلکه نزد ما متولد و رشد می کند. جامعه جایگزین این بربریت موجود، چون چینی در بطن جامعه کهن متولد و چون طفلی در هزار توی جامعه سرمایه داری رشد می کند. رشد نیروهای مولد باید همطراز قوام فرهنگی عمومی باشد. سوسیالیسم از آن توده های آگاه است و سخنان لنین دائر بر رسیدن به سوسیالیسم توسط پرولتاریائی که تا زانو در گنداب سرمایه داری است، ترفندهای تبلیغی و تهییجی حزب بلشویک برای کسب قدرت سیاسی ارزیابی می شود. هم اکنون و اقل در بین اندیشه ورزان چند نوع مارکسیسم مشاهده می نمایم. جالب اینکه مدعیان یک نام کارگری هم به عنوان پسوند برای معرفی خود ذکر می نمایند. توگویی که مارکسیسم غیر کارگری نیز مبین اندیشه مارکس است! امروزه تبیین اندیشه های مارکس از سوی اندیشه ورزان به صورت ارائه گزینه ها و دستگاه های فکری ارائه میشود که این پارادایم سازی به تعداد جوامع و شرائط متفاوتی باشد که اندیشه پردازان در آن زندگی می کنند. تا حال سوسیالیسم را یک سیستم عملی برای اداره اجتماع معرفی کرده اند که با مطالعه آثار مارکس و برخی از نظرات انگلس پی میبریم که حقیقتاً سوسیالیسم یک چشم انداز است که حتمی است و عناصرش همین امروز در نزد ما و در کنار ما رشد می نمایند. از هوا نازل نمی شود، بلکه حاصل تطور همه جانبه خود ماست. هم اکنون نیازهای جامعه بشری کم کم بهم نزدیک میشود و ضرورت های حیاتی زحمت کشان امریکائی، تبلور خود را در حومه و گتوهای پاریس و اسلام شهرهای ایران میابد. نان، که روزی مرکز مطالبات زحمت کشان بود امروز به صورت کار تغییر ضرورت داده است. یک سراسیمگی عمومی دامان بشریت را گرفته که ناشی از بهم ریختگی اوضاع انباشت است.

\*\*\*

نگاهی به دور و اطراف خود بی افکنید. روزانه و در میسر خود چند بی خانمان یا بیمار روانی مشاهده می کنید در مسیر راه خود چند نفر را می بینید که با خودشان حرف میزنند. به ایستگاههای رادیویی گوش میدید که پرسشنامه های پر شده را شوه های دکترهای روانشناس تشکیل میدهند! دیوانگی که روزی صفت بیماران مبتلا به شیزوفرنی بود امروزه علائم خود را در آدم های معمولی میکندارد. سراسیمگی در تولید کالا، سراسیمگی در صدور سرمایه، راهکارهای فروش کالا و انتقال سرمایه تولید جنگهای مهیبی کرده است. حجم تولید انحصارات را خریدار کافی نیست و در حالیکه همه کاری می کنند ولی متاسفانه کسی شغلی ندارد! بشریت قبل از گرسنگی به دام ابتلائات



# ALBORZ High School

مدرسه فارسی

# البرز

با مجوز رسمی از وزارت آموزش و پرورش ایران

## دبستان، راهنمایی، دبیرستان و پیش دانشگاهی

### مرکز تافل

جهت ثبت نام برای ترم جدید،  
لطفاً با ما تماس بگیرید

**ETS AUTHORIZED TOEFL IBT CENTER**

## دبیرستان خصوصی البرز

# Grade 9-12

Accredited by the Ontario Ministry of Education

# TUTORING

## شیمی، فیزیک ....

**برگزاری امتحان کنکور سراسری ایران**

**در مجتمع البرز**

برای اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

416-221-1443    416-875-0909    www.alborzschool.com

Steeles Ave.



Center Point Mall

Yonge Ave.

Alborz

20 Tangreen Crt.

Yonge & Steeles

ضلع جنوب غربی

جنب Center Point Mall